

امیررضا دارابیان^۱

منطقه قفقاز جنوبی به دلیل وضعیت جغرافیایی، سیاسی و ژئوپلتیک خود به تعبیری یکی از مهمترین و بحران‌خیزترین مناطق بازمانده از شوروی سابق می‌باشد. این منطقه به دلیل تنوع «ترکیب قومی و جمعیتی»، «ناهمگونی اقوام و نژادهای حاضر در آن»، «وضعیت ناهمگون اقتصادی و سیاسی» و نیز تحت تأثیر متغیرهای سیاست‌های بین‌المللی در عرصه جهانی بعد از فروپاشی شوروی سابق، با بحران‌های متفاوتی روبه‌رو بوده است. در این بین منطقه ارمنی‌نشین جاواخک^۲ در گرجستان، یکی از مناطقی است که در چند سال اخیر، تحت تأثیر نوع مناسبات روسیه - گرجستان و ارمنستان - گرجستان قرار داشته و به نسبت روند روبه بهبود یا روبه نزول این مناسبات، ظرفیت‌های بالقوه «بحران‌پذیری» خود را به نمایش گذاشته است. در شرایط کنونی که با حضور تدریجی و حساب شده آمریکا در دو مسیر «اقتصادی و سیاسی» همراه گردیده منطقه جاواخک رفته رفته خود را به عنوان یکی از کانون‌های اصلی بحران در آینده نزدیک تعریف می‌کند. نوشته حاضر نگاهی به وضعیت منطقه جاواخک، زمینه‌های بحران در این منطقه، میزان مشارکت و مواضع بازیگران خارجی در آن و همچنین تأثیرات این بحران بر وضعیت کلی قفقاز خواهد داشت.

از لحاظ تاریخی، گرجستان به دلیل وضعیت ژئوپلتیک خاصی که در آن واقع است، کشوری چندنژادی محسوب می‌شده است. گذشته از قرار گرفتن در معبر تجاری منطقه، از آنجا که در معرض کشور گشایی‌هایی نیز قرار داشته، به ناچار قسمت‌های عمده‌ای از سرزمین‌های خود را از دست داده و یا مجبور به پذیرش اقلیت‌های نژادی در بخش‌هایی از سرزمین خود گردیده است. مهمترین مقطع زمانی در این مورد به زمان الحاق گرجستان به روسیه برمی‌گردد که نژادهای همسایه‌ای چون (ترکی، آذری، ارامنه و برخی اقلیت‌های قفقاز شمالی) در سرزمین گرجستان اقامت گزیدند. در اواخر قرن نوزدهم و به‌ویژه اوایل قرن بیستم، این تغییر ترکیب جمعیتی، در

۱. آقای امیررضا دارابیان کارشناس مسایل قفقاز است.

قسمت‌های جنوبی این کشور تشدید گردید که دلیل آن درگیری اقلیت‌های ارمنی و یونانی با امپراتوری عثمانی و فرار آنها از ترکیه و به‌طور کل مناطق تحت تصرف عثمانی بود. در همین زمان، امپراتوری روسیه برای تقویت نفوذش در گرجستان، اقدام به جابجایی بعضی از اقلیت‌ها مانند «کوساک‌ها»^۱ و «دوخورها»^۲ به این منطقه می‌کند. این روند بعد از قرار گرفتن گرجستان در ترکیب شوروی سابق ادامه می‌یابد با این تفاوت که دیگر این اقلیت‌های نژادی، به صورت ترکیب‌های جمعیتی در یک نقطه استقرار نمی‌یافتند بلکه صرفاً در مناطق شهری و پراکنده سکنی داده شدند.

در هیچ سندی به‌ویژه قانون اساسی گرجستان، از این استان به صورت رسمی نام برده نشده است. اعتبار استانی آن را تنها باید در ابعاد تاریخی و نژادی منطقه دانست، چراکه قانون تقسیمات کشوری گرجستان تاکنون به تصویب نرسیده است. در زمان شوروی، جاواخک منطقه نظامی بسته محسوب می‌شد، دلیل آن هم‌مرزی با ترکیه بود که عنوان عضویت ناتو را به همراه داشت. جاواخک منطقه‌ای است در ۲۰ کیلومتری جنوب شرق منطقه آجارا^۳ که با ترکیه بین ۸۵-۹۰ کیلومتر در جنوب غربی و با ارمنستان حدود ۴۵-۵۰ کیلومتر در جنوب هم‌مرز می‌باشد. در شرق جاواخک نیز منطقه آذری‌نشین مارنئولی^۴ واقع است. جاواخک از قدیم شامل دو منطقه آخالکالاکی^۵ و نینوتسمیندا^۶ می‌شده، ولی در سالهای اخیر با تصمیم دولت مرکزی حوزه سرزمینی آن گسترده داده شده و در حال حاضر تحت عنوان سامتسخه - جاواختی^۷ با مساحتی معادل ۶۴۱۳ کیلومتر مربع در تقسیم‌بندی‌های کشوری گرجستان شناخته می‌شود. جمعیت این منطقه که شامل ۶ بخش (ادی‌گنی، اسپینزا، آخالکالاکی، آخالتسیخه، برجمی و نینوتسمیندا)^۸ می‌گردد، براساس آمارهای دولتی حدود ۲۳۵ هزار نفر است. مرکز این ایالت نیز بخش آخالتسیخه می‌باشد.

1. Cossacks

2. Dukhobors

۳. منطقه‌ای است خودمختار در جنوب غربی گرجستان که با ترکیه و دریای سیاه مرز مشترک دارد.

4. Marneuli

5. Akhalkalaki

6. Ninotsminda

7. Samstkhe - Javakheti

8. Adigeni, Aspinza, Akhalkalaki, Akhaltsikhe, Borjomi & Ninotsminda

ترکیب جمعیتی جاواخک

الف) مکان‌های عمده استقرار در گرجستان و جاواخک

شهر تفلیس و جنوب گرجستان دو منطقه آخالکالاکی و نینوتسمیندا از جمله مناطقی هستند که اکثریت جمعیت آرامنه را در خود جای داده‌اند. همچنین تعدادی قابل توجه از این اقلیت مذهبی در منطقه آبخازیا - گاگرا^۱ سکنی دارند. مقطع زمانی اصلی استقرار آرامنه در گرجستان، به فرار آنها از منطقه آناتولی ترکیه در جریان درگیری‌های ترکیه و عثمانی برمی‌گردد. تعدادی از این آرامنه که بعد از قرار گرفتن گرجستان در چارچوب شوروی وارد این کشور شده‌اند، بیشتر در مرکز این کشور یعنی تفلیس سکنی گزیده‌اند. از لحاظ مذهبی، تقریباً تمامی آنها به کلیسای ایچمیادزین در ارمنستان وابسته می‌باشند. تعدادی اندک نیز ارمنی کاتولیک در این کشور زندگی می‌کنند. جالب این که همانند ارمنستان، ما با جمعیتی تحت عنوان «ارمنی مسلمان» برخورد می‌کنیم.

ب) پراکندگی جمعیتی در جاواخک

آخالکالاکی نام یکی از بخش‌های جاواخک و در حقیقت عنوان شهری به همین اسم در منطقه مذکور است. بخش آخالکالاکی که شامل یک شهر بزرگ و ۶۴ پارچه روستا می‌باشد، دارای وسعتی برابر با ۱۲۳۵ کیلومتر مربع و جمعیتی معادل ۷۰۰۰۰ نفر است. اکثریت این جمعیت در روستاها ساکن هستند، چراکه شهر آخالکالاکی تنها دارای جمعیتی معادل ۱۵۰۰۰ نفر است. براساس آمار موجود، از بین ۶۴ روستای منطقه، به‌طور یقین ۵۸ روستا سکنه ارمنی دارند. دومین بخش مهم جاواخک، نینوتسمیندا است که همانند بخش اول، هم نام شهر و هم نام منطقه می‌باشد. مساحت و جمعیت آن را که شامل یک شهر و ۳۵ روستا می‌گردد، به ترتیب حدود ۱۳۵۳ کیلومتر مربع و ۳۸۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند. مانند آخالکالاکی، بیشتر ساکنین این منطقه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و مانند بخش اول اکثریت ۹۰ درصدی جمعیت حاضر در آن را آرامنه تشکیل می‌دهند. در خصوص ترکیب جمعیتی جاواخک، در آخالکالاکی

1. Abkhazia - Gagra

(با مساحت ۱۲۳۵ کیلومتر مربع بزرگترین شهر جاواخک بوده و از لحاظ جمعیت نیز با جمعیتی معادل ۷۰۰۰ نفر بیشترین جمعیت منطقه را داراست) و نینوتسمیندا اکثریت با ارامنه است ولی در بخش‌های دیگر جاواخک ترکیب جمعیتی به نفع گرجی‌ها است.

جدول ترکیب جمعیتی در استان جاواخک گرجستان

بخش	گرجی	ارمنی	دیگر قومیت‌ها	جمع
آخالتسیخه ^۱	۳۱۰۰۰	۲۲۰۰۰	۱۲۰۰	۵۴۲۰۰
آسپینزا ^۲	۱۲۰۰۰	۲۵۰۰	۱۰۰	۱۴۶۰۰
آدی‌گنی ^۳	۲۲۵۰۰	۱۱۰۰	۵۰۰	۲۴۱۰۰
آخالکالاکي ^۴	۳۸۰۰	۷۰۰۰۰	۱۱۰۰	۷۴۹۰۰
برجمی ^۵	۲۸۵۰۰	۳۸۰۰	۵۷۰۰	۳۸۰۰۰
نینوتسمیندا ^۶	۴۳۰	۳۵۰۰۰	۱۲۰۰	۳۶۶۳۰
مجموع	۹۸۲۳۰	۱۳۴۴۰۰	۹۸۰۰	۲۴۲۴۳۰

همان‌طور که از جدول مشخص است در دو بخش آخالکالاکي و نینوتسمیندا اکثریت جمعیت با ارامنه است. در آخالکالاکي تعدادی روستای گرجی‌نشین وجود دارد که به دلیل قرابت طولانی با ارامنه، حتی زبان اصلی آنها ارمنی است. در زمان حکومت عثمانی در منطقه جاواخک تعدادی بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ ترک مسقطی زندگی می‌کردند که در زمان انضمام گرجستان به شوروی توسط استالین، آنها به آسیای مرکزی و روسیه کوچ داده شدند. قومیت‌های دیگر عبارتند از: تعدادی خانواده آجاریایی، جمعیت کوچکی روسی که تحت عنوان دوخابوری ۱۶۰ سال پیش در این منطقه اسکان داده شده‌اند، تعدادی یهودی و یونانی.

1. Akhalsikheh
3. Adygeni
5. Bojomi

2. Aspindza
4. Akhalkalaki
6. Ninotsminda

ج) مشارکت ارامنه در زندگی اجتماعی - سیاسی گرجستان

برخلاف جمهوری‌های دیگر شوروی سابق که در زمان شوروی، شاهد حضور یک یا چند اقلیت نژادی در حوزه سرزمینی خود بوده‌اند، به لحاظ تاریخی، گرجستان حتی پیش از قرار گرفتن در بلوک شوروی نیز، با مفهوم اقلیت‌های نژادی آشنا و مسبوق به سابقه بوده است، از این رو اقلیت‌های نژادی در تطابق با مدل سیاسی - اجتماعی روزگار خود، ضمن توسعه نفوذ خود در ساختارهای سیاسی - اجتماعی، به صورت رسمی ترکیب فرهنگی - نژادی خود را حفظ کرده‌اند. این خود موجب گردیده که نوعی ملی‌گرایی نژادی در بین این اقلیت‌ها به‌ویژه آنها که کشور مادر آنها، همسایه گرجستان است (ارامنه، روس‌ها و آذری‌ها) به وجود آید که این خود در مقاطعی مانند آنچه امروز در آبخازیا شاهد هستیم، باعث تقابل با دولت مرکزی گردیده است.

د) وضعیت اقتصادی جاواخک

یکی از عمده‌ترین مشکلات مردم در منطقه جاواخک مشکل اقتصادی و تبعات اجتماعی آن است. در زمان گام‌ساختور دیا و اوایل حکومت شواردناده، تفکری که در هیأت حاکمه گرجستان وجود داشت، تفکری مبتنی بر عدم توجه به جاواخک بود. حاکمان گرجی از تجربه تلخ دخالت در آبخازیا و اوستیای جنوبی خاطر‌های بد در ذهن داشتند، لذا سعی نمودند جاواخک را به حال خود رها سازند. سیاست هیأت حاکمه به‌گونه‌ای بود که گویی چنین منطقه‌ای اساساً وجود خارجی ندارد. حتی در زمان شوروی نیز تا حدودی این سیاست اعمال می‌گردید، به طوری که با وجود ۷۸ کیلومتر مرز مشترک جاواخک با ترکیه، تنها کسانی که از سوی دولت شوروی دارای مجوز (تردد داخلی) بودند، اجازه ورود به جاواخک را داشتند و براساس همین سیاست بی‌توجهی، کمترین سرمایه‌گذاری زیربنایی در منطقه صورت گرفته بود. در اواخر حیات شوروی طرحی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه به تصویب رسید که مهلت اجرای آن به زمامداران مسکو داده نشد. در ذیل وضعیت اقتصادی - اجتماعی منطقه به صورت جزئی‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اقتصاد محلی

کشاورزی: منبع اصلی درآمد اهالی منطقه از طریق کشاورزی تأمین می‌شود. در این میان به دلیل کوهستانی بودن منطقه، کشاورزان بیشتر به کشت سیب‌زمینی روی آورده‌اند. این موضوع یعنی تک محصولی بودن کشاورزی منطقه، باعث کاهش قیمت سیب‌زمینی شده، اهالی را به انجام مشاغل دیگر در کنار کشاورزی سوق داده است. مقادیری از این محصول باید در مناطق دیگر گرجستان و در صورت امکان در ارمنستان عرضه گردد. ولی مشکل دیگری به نام فقدان زیرساخت‌های مناسب حمل و نقلی و مسایلی دیگر چون باج‌خواهی مقامات پلیس، موجب شده افراد کمی امکان صدور محصولات خود را داشته باشند. به هر حال همین مقدار اندک نیز در مناطق مرزی ارمنستان (و به‌طور عمده شهر گیومری در شمال ارمنستان) و برخی از مناطق دیگر گرجستان عرضه می‌شود. در ارمنستان، آرامنه جاواخک با ارایه سیب‌زمینی، انگور دریافت می‌کنند که عمدتاً بعد از انتقال به داخل گرجستان به اهالی محل و به‌ویژه ساکنین روسی پایگاه روسیه در آخالکالاکی فروخته می‌شود.

کارخانه: به جرأت می‌توان گفت تقریباً چیزی به نام کارخانه در جاواخک وجود ندارد. در زمان شوروی چند کارگاه کوچک فرآوری محصولات لبنی و گوشتی وجود داشته که از آنها تعدادی بسیار محدود باقی مانده که تنها پاسخگوی نیازهای محل هستند.

گردش پول: مشکلات شدید مالی باعث گردیده، اکثریت مردان پس از کاشت محصولاتشان در فصل بهار برای کارهای فصلی به مناطق دیگر و از جمله روسیه عزیمت نمایند. اقامت ۵-۶ ماهه آنها با کسب درآمدی بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ دلار می‌گردد. کسانی که بتوانند در جاده‌سازی روسیه مشغول به کار شوند، امکان کسب درآمدی بالاتر تا حدود ۵۰۰۰ دلار را نیز خواهند داشت. با شروع فصل برداشت محصول، آنها به جاواخک برمی‌گردند. این درآمد با درآمد ناشی از کشاورزی باید تا سال آینده هزینه‌های آنها را تأمین نماید. تمایل به کار فصلی در روسیه بیشتر به دلیل آشنایی با زبان روسی و نزدیکی مسافت است.

پایگاه نظامی روسیه: سابقه حضور نظامی روسیه در گرجستان به سال ۱۸۲۸ برمی‌گردد. روسیه تا قبل از فروپاشی و تا چند سال گذشته دارای چهار پایگاه نظامی مهم در

گرجستان بود (این چهار پایگاه عبارتند از: وازیانی، گودائوتو در آبخازیا، باتومی و آخالکالاکی) که در حال حاضر یک پایگاه آن (وازیانی) به‌طور کامل تخلیه شده و تخلیه پایگاه گودائوتو در حال انجام است. دو پایگاه دیگر هم‌اکنون در حالت بهره‌برداری کامل قرار دارند. با ورود شواردنازه به عرصه قدرت، با هدف بهبود روابط با مسکو، قراردادی برای ادامه فعالیت پایگاه‌های روسیه در این کشور برای مدت ۲۵ سال امضا شد ولی با عدم تصویب پارلمان گرجستان عملاً به‌جایی نرسید.

اگر گفته شود که پایگاه آخالکالاکی، عمده‌ترین محل ایجاد اشتغال در جاواخک است، سخنی پربراه نیست. پایگاه ۶۲ روسیه در آخالکالاکی محل استقرار لشکر ۱۴۷ زرهی روسیه است. مساحتی بالغ بر ۵۰۰۰ هکتار از این منطقه در اختیار این لشکر با حدود ۳۰۰۰ سرباز آن قرار گرفته که در این میان قریب نیمی از کارهای خدماتی آن را، اهالی ارمنی منطقه برعهده دارند. وجود این پایگاه گذشته از درآمدی که برای مردم منطقه دارد، از آن جهت اهمیت دارد که برای کسانی که در آن خدمت می‌نمایند، شانس زیادی جهت دریافت تابعیت روسیه را فراهم می‌آورد، چیزی که تمامی ارامنه منطقه آرزوی آن را دارند. گذشته از این، مقامات درون پایگاه حق دارند برای علاقه‌مندان کارهای فصلی در روسیه ویزا صادر کنند.

داخل پایگاه چهارده کارخانه کوچک و دو هتل وجود دارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم محل ارتزاق بسیاری از ساکنین محلی هستند. آمار غیررسمی نشانگر ارتباط اقتصادی مستقیم ۴۰۰۰ نفر از افراد غیرنظامی با پایگاه دارد. این بدان معنی است که بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر از اهالی منطقه به‌طور غیرمستقیم محل درآمدشان پایگاه روسیه در آخالکالاکی است. تخمین زده می‌شود مبلغی بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار دلار در ماه از سوی پایگاه روسیه وارد چرخه اقتصادی منطقه می‌گردد. این مبلغ به‌غیر از درآمدهای ناشی از دادوستد کالاهای روسی (به‌طور عمده سیگار و البسه روسی) است که در بازار سیاه پایگاه عرضه می‌گردند. درآمد هر سرباز روسی بین ۹۰ تا ۱۰۰ دلار در ماه است که در مقایسه با درآمد سرانه ارامنه جاواخک (۶/۲۵ دلار در ماه) تفاوت بسیار دارد.

اهمیت اقتصادی این پایگاه برای مردم منطقه آنچنان زیاد است که هرگاه زمزمه انتقال

پایگاه به مکانی دیگر (مانند ارمنستان) و وابسته شدن آن به طور کامل به گوش می‌رسد و یا این که مقامات گرجی خبر از احتمال برچیده شدن آن داده‌اند، اعتراضات گسترده‌ای در منطقه نسبت به وقوع چنین برنامه‌ای، به ویژه از سوی برخی مقامات محلی مانند فرماندار جاواخک بروز نموده است. در ۲۴ آوریل ۲۰۰۱ نیز شواردناوزه طی سخنانی، بر ضرورت ایجاد شغل و درآمد جایگزین جهت مردم منطقه، قبل از اجرای احتمالی برنامه خروج نیروهای روسی و تعطیلی پایگاه تأکید نمود. نکته دیگری که اهمیت اقتصادی پایگاه را نشان می‌دهد آن که مردم منطقه آخالکالاکی به جای استفاده از لاری (واحد پول گرجستان)، از روبل روسیه که در درون و بیرون پایگاه ارزش بیشتری دارد، استفاده می‌کنند.

تاکنون پایگاه روسیه به صورت دوفاکتو، برای مردم منطقه کارکردهایی چون تأمین امنیت، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تأمین امنیت اجتماعی و آموزشی و ... داشته است، با وجود این که در انجام این موارد هیچ دستوری از سوی فرماندهان پایگاه صادر نگردیده است و همگی براساس نوعی قرارداد نانوشته بین ساکنین و فرماندهان پایگاه صورت می‌گیرد.

نظر به اهمیت این پایگاه در زندگی مردم منطقه، تقریباً تمامی کارشناسان معتقدند اگر در زمان بسته شدن احتمالی پایگاه مواردی چون: ۱. توسعه اقتصادی هدفمند منطقه، ۲. اجرای سیاست همگرایی منطقه در سیاست‌های ملی گرجستان و ۳. خارج نمودن تمامی ابعاد و حوزه نفوذ سنتی پایگاه روسیه از زوایای زندگی مردم منطقه، صورت نپذیرفته باشند، بروز بی‌ثباتی گسترده در آن، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

زیرساخت‌ها

جاده‌ها: جاده‌های منطقه مانند دیگر ابعاد اقتصادی آن در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارند. برای نمونه تنها دو مسیر برای رسیدن به تفلیس وجود دارد، یکی از آخالکالاکی به تفلیس و دیگری از نینوتسمیندا به تفلیس. برای رسیدن به پایتخت از مسیر نخست باید از شهر مرکزی منطقه جاواخک یعنی آخالتسیخه که فاصله‌ای ۹۴ کیلومتری با آخالکالاکی دارد، گذر نمود. مسیر اخیر جاده‌ای بسیار صعب‌العبور را شامل می‌شود. از آخالتسیخه تا تفلیس ۲۱۸ کیلومتر مسافت است که جاده آن در مقایسه با جاده‌های منطقه وضعیتی بهتر دارد.

مسیر دوم همان مسیر نینوتسمیندا به تفلیس است که مسیری نسبتاً مستقیم می باشد، ولی ارامنه منطقه ترجیح می دهند بیشتر از مسیر قبلی به پایتخت رفت و آمد نمایند. بین آخالکالاکی و نینوتسمیندا مسیری ۱۹ کیلومتری است که در حقیقت تنها مسیر تجاری (ترانزیتی) جاواخک محسوب می شود و به دلیل سفر سال ۱۹۹۶ شواردنادزه به منطقه مرمت گردیده و از این رو وضعیتی بهتر دارد.

بین گرجستان و ارمنستان جاده ای وجود دارد که از نینوتسمیندا عبور می نماید. وضعیت این جاده که تا مرز مشترک با ارمنستان ۲۳ کیلومتر فاصله دارد، آنچنان بد است که اکثر رانندگان ترجیح می دهند از کنار جاده برای عبور و وارد شدن به ارمنستان استفاده نمایند.

برق: برق منطقه یا دولتی است یا به وسیله چندین کارخانه خصوصی تولید برق تأمین می گردد. برای دریافت برق از چنین کارخانه هایی باید بین ۱۵ تا ۳۰ دلار در ماه به آنها پرداخت گردد. کسانی که از عهده پرداخت این هزینه بر نمی آیند، باید از برق دولتی که حداکثر ۱۰ ساعت در شبانه روز جریان دارد (از ۸ تا ۱۰ صبح و از ۶ بعد از ظهر تا ۱ بامداد) و هزینه ای معادل ۱۰ دلار برای هر ماه را شامل می شود، استفاده نمایند. این مسأله یعنی کمبود برق باعث گردیده، علاوه بر مشکل ایجاد گرما (۹ ماه سال سرما حاکم است)، امکان احداث کارخانه هایی که با نیروی برق کار می کنند، عملاً وجود نداشته باشد. البته در سال جاری واردات برق از ارمنستان که در سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ بین ۹۰۰۰۰ کیلووات در هر روز بود، تنها برای منطقه جاواخک به ۶۰ تا ۱۰۰ هزار کیلو وات افزایش یافت. این مسأله موجب گردیده تا ساکنین منطقه به جای ۱۰ ساعت، تا ۱۴ ساعت امکان بهره برداری از انرژی برق را داشته باشند.

دولت گرجستان به مقامات منطقه مانند دیگر مناطق این کشور اجازه عقد قرارداد با دولت ارمنستان برای دریافت برق به دلیل تمایل به نگه داشتن آنها در حوزه اقتدار دولت مرکزی و جلوگیری از افزایش بدهی به ایروان نمی دهد.

زمینه های بحران در منطقه جاواخک

الف) زمینه تاریخی

برای درک بهتر مسایل مرتبط با جاواخک، مناسب است تاریخچه این منطقه را از زمان

انضمام گرجستان به روسیه در اوایل قرن گذشته مطالعه نماییم. گرجستان به‌عنوان آخرین کشور از مجموع سه کشور تشکیل‌دهنده فدراسیون ماورای قفقاز بود که با تهاجم نیروهای روسی در فوریه سال ۱۹۲۱ به تصرف کامل شوروی درآمد. با تصرف گرجستان، تنها دولت مستقل این کشور پیش از فروپاشی شوروی بعد از ۳ سال مضمحل گردید. ۷۰ سال بعد با فروپاشی شوروی، در ۹ آوریل ۱۹۹۰، پارلمان گرجستان ضمن اعلام استقلال این کشور، گام‌ساختار دیا^۱ مخالف معروف برژنف را به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور این کشور برگزید. ملی‌گرایی تندرو و نظامی‌گرایانه وی و سیاست «گرجستان برای گرجی‌ها»^۲ شرایط بد اقلیت‌های نژادی را بدتر کرد و در حقیقت آتش بر انبار باروت زد. سیاست «گرجستان برای گرجی‌ها» این مطلب را دنبال می‌کرد که اقلیت‌های غیرگرجی، فقط به صورت مهمان در گرجستان قابل تحمل هستند و اقامت دائم برای آنها را ممکن نمی‌دانست. این سیاست باعث بروز تنش در مناطق اوستیای جنوبی، آبخازیا و جاواخک گردید. اولین تنش مربوط می‌شود به سال ۱۹۸۹ و زمانی که گروهی از ملی‌گرایان گرجی به رهبری گام‌ساختار دیا و مرابا کستاوا^۳ سعی نمودند تا با وارد کردن تعدادی خانواده آذری به منطقه، ترکیب جمعیتی را دچار تغییر سازند. این با مخالفت شدید ارامنه منطقه مواجه شد و به درگیری‌هایی نیز انجامید. با روی کار آمدن گام‌ساختار دیا به ریاست جمهوری گرجستان، سیاست‌های ضدنژادی وی رسمیت یافت. رئیس‌جمهور جدید ابتدا ارامنه جاواخک را به حمایت و پشتیبانی از جدایی‌طلبان آبخازی متهم نمود. همزمان ارامنه در اقدامی تلافی‌جویانه، ادعای خود را جهت کسب استقلال از دولت مرکزی افزایش دادند. در حقیقت آنها از شدت گرفتن درگیری‌ها در مناطق آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجاریا برای تکرار ادعای جدایی‌طلبی خود استفاده بردند. درخواست آنها برای اخذ خودمختاری عالی، بار دیگر در زمان تصویب قانون اساسی آجاریا در مارس ۲۰۰۰ و تعیین آن استان به‌عنوان حکومت خودمختار بالاگرفت. این موضوع هم از سوی نیروهای ملی‌گرای داخل منطقه حمایت می‌گشت و هم از سوی نیروهای خارجی دامن زده می‌شد. مسلماً افزایش پیچیدگی ساختار سیاسی در منطقه، منافع بسیار سریع و محسوسی برای نیروهای روسی داشت، چرا که می‌توانست خود به

1. Zviad Gamsakhurdia
3. Meraba Costava

2. Georgia for Georgians

تنهایی، روند تخلیه پایگاه روسیه را به تأخیر اندازد.

همزمان ارامنه از پذیرش فرماندار جدید اعزامی از سوی حکومت خودداری نمودند و در ضمن بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۲ از فرستادن فرزندان ذکور خود جهت انجام خدمت سربازی خودداری کردند. گسترش فعالیت‌های سیاسی ارامنه جاواخک منجر به تأسیس سازمانی تحت عنوان «جاواخ» گردید که با هدف تحقق آرمان‌های جامعه ارمنی گرجستان، فعالیت خود را در سال ۱۹۹۵ آغاز نمود. در فاصله بین همین سال‌ها (۹۴-۹۲)، شاهد تأسیس برخی واحدهای کوچک نظامی ارمنی که برای کمک به ارامنه قره‌باغی در جنگ با آذربایجان، از سوی روسیه مسلح می‌شدند، هستیم.

با برکناری گامساخوردیا از حکومت گرجستان، ادوارد دشواردنادزه در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۵ به ریاست جمهوری گرجستان برگزیده شد. وی در انتخابات سال ۲۰۰۰ نیز، برای یک دوره ۵ ساله دیگر به ریاست جمهوری گرجستان انتخاب گردید. رئیس‌جمهور جدید ابتدا موضعی سختگیرانه در قبال ارامنه جنوب این کشور در پیش گرفت ولی از آنجاکه تمایلی برای رویارویی مستقیم با آنها نداشت، نیروهای شبه نظامی را که تحت فرمان حکومت مرکزی بودند به منطقه اخالتسیخه اعزام نمود. مدتی بعد این نیرو به دلیل شروع چپاول و غارتگری در منطقه منحل گردید.

مهمترین اقدامی که دولت گرجستان صورت داد تا به نوعی رابطه معقول با ارامنه منطقه دست یابد، تدوین و پیگیری نوعی رابطه چندوجهی با این اقلیت قومی بود. در مرکز این اقدامات انتصاب فرماندار (به‌طور مستقیم و توسط رئیس‌جمهور) قرار داشت. دولت گرجستان در اقدامی دیگر و با هدف جذب ارامنه در ساختارهای دولتی، طی دوره کوتاه خصوصی‌سازی، با ریش‌سفیدان ارمنی که کنترل زیادی بر زندگی اجتماعی مردم دارند، وارد نوعی تعامل سیاسی گردید و حضور برخی از آنها را در بعضی مشاغل دولتی در تفلیس پذیرفت و از آنها برای راهیابی به پارلمان گرجستان حمایت نمود.

با این وجود وضعیت منطقه تا حدود زیادی ملتهب بود. شواردنادزه برای جلب نظر اقلیت ارمنی جنوب، موارد زیر را عملی نمود: اجازه به دولت ارمنستان برای ارسال کتاب‌های درسی به زبان ارمنی جهت مدارس ویژه ارامنه، بررسی پیشنهادهای ارامنه اسپورک (عنوان

اطلاقی به آرامنه خارج از ارمنستان است که در کشورهای دیگر زندگی می‌نمایند. برای سرمایه‌گذاری در منطقه جاواخک و اعمال برخی معافیت‌ها در خصوص خدمت سربازی آنها. با این اقدامات شرایط بحرانی تا حدودی فروکش نمود ولی هنوز منطقه آبستن حوادث بسیاری است.

ب) اهمیت جاواخک در شرایط جدید

وجود تنوع نژادی گسترده در گرجستان، اصولاً این کشور را به‌طور بالقوه هر از چندگاهی (با دخالت خارجی یا بدون آن)، درگیر تنش‌هایی نموده و می‌نماید. ولی بالاگرفتن چنین تنش‌هایی در منطقه‌ای که مورد بحث ماست، از آن جهت اهمیتی دوچندان دارد که خط لوله در حال ساخت باکو-جیهان، مسیر خود را در خاک گرجستان و بعد از گذر از تفلیس، از این منطقه به سوی خاک ترکیه ادامه می‌دهد. گذشته از بی‌ثباتی‌ای که وجود هر نوع درگیری در جاواخک، برای دولت مرکزی تفلیس ایجاد خواهد نمود (نمونه‌های آن را پس از استقلال گرجستان دیده‌ایم)، فرصت طلایی استفاده از خاک گرجستان برای انتقال منابع انرژی آذربایجان به اروپا را از دست دولتمردان گرجی خارج خواهد نمود.

وضعیت کنونی منطقه

در زمان حکومت گامساخور دیا، جاواخک در برنامه‌های دولت مرکزی، اولویت خود را در مقابل تنش‌های موجود در آبخازیا و اوستیای جنوبی از دست داده بود. شاهد این ادعا عدم توجه کافی به وضعیت بحرانی اقتصاد منطقه از سوی حکومت می‌باشد، ولی با گذشت زمان و بالا گرفتن تنش‌ها در مناطقی چون آبخازیا، اوستیای جنوبی و قره‌باغ که وضعیتی مشابه جاواخک داشتند، برخی دولتمردان گرجی و تحلیلگران مسایل منطقه‌ای، جاواخک را در شرف رسیدن به انفجار قلمداد نمودند.

این در حالی است که بعد از گامساخور دیا و با اقدامات شوار دنادزه، منطقه تا حدودی رنگ آرامش به خود گرفته بود. از نوامبر ۱۹۹۹ به دلایلی چون وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی مردم، اوج‌گیری شایعاتی دال بر تقویت احتمال خروج نیروهای روسی از منطقه و به‌ویژه در این

اواخر تیرگی روابط مسکو-تفلیس، وضعیت منطقه به آتشی زیر خاکستر تبدیل شده است. عدم توجه به زیرساختارهای اقتصادی جاواخک و به ویژه امکان اثرگذاری دخالت نیروهای خارجی بر امنیت بسیار شکننده چنین مناطقی، باعث شده تا جاواخک بیشتر از گذشته به عنوان تهدیدی برای دولت مرکزی و برای برخی کشورهای منطقه باشد.

جاواخک؛ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

ارمنستان

الف) یکی از نقاط اهمیت جاواخک برای ارمنستان، جنبه اقتصادی آن است، این مسأله نه صرفاً به خاطر صادرات کالاهای ارمنستان به این منطقه بلکه به لحاظ موقعیت آن در اقتصاد ارمنستان می‌باشد. جاواخک به لحاظ جغرافیایی به منطقه آجاری گرجستان متصل است که در حقیقت ارتباط گرجستان با دریای سیاه را ممکن می‌سازد. ارمنستان به دریای آزاد راهی ندارد از این رو داشتن ارتباط با دریای سیاه از آرزوهای این کشور می‌باشد. بندر باتومی در اجارا یکی از مهمترین راههای ارتباطی ارمنستان با گرجستان و از آنجا با اروپا و روسیه است. در حقیقت یکی از دوره استراتژیک است که ارامنه را به جهان غیر ترک متصل می‌نماید. مسیر دیگر ایران است. با بروز بحران در جاواخک، طبیعی خواهد بود که بلافاصله مرز گرجستان با ارمنستان بسته شود، که این خود مطلوب ارمنستان نیست.

ب) دلیل دوم اهمیت جاواخک برای ارمنستان امکان دسترسی زمینی به روسیه است. مسلماً بروز درگیری، ارمنستان را از این مسیر مهم محروم خواهد نمود. اهمیت این مسأله از آنجاست که روسیه اولین صادرکننده کالا به ارمنستان و دومین واردکننده عمده محصولات ارمنی و اولین تأمین‌کننده تسلیحات نظامی ارمنستان می‌باشد.

ج) سومین دلیل اهمیت جاواخک برای ارمنستان را در نوع رابطه ترکیه، گرجستان و ناتو می‌بینیم. یکی از حامیان اصلی پیوستن گرجستان به ناتو ترکیه می‌باشد. در همین راستا ترکیه سعی نموده است تا در پوشش برنامه‌های ناتو، نفوذ خود را در زیرساختارهای نظامی و امنیتی این کشور افزایش دهد. در آخرین تحرک و در چارچوب برنامه ناتو برای بهینه‌سازی سیستم‌های نظامی گرجستان، آنکارا در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۱ مرحله‌نهایی بازسازی و بهره‌برداری از پایگاه هوایی

مارنئولی گرجستان (در شرق منطقه جاواخک) را که اکثریتی آذری را در خود جای داده است، به پایان رساند. به عقیده کارشناسان ارمنی، ترکیه می‌تواند در صورت بروز جنگ با ارمنستان از این پایگاه به‌عنوان جبهه دوم علیه این کشور استفاده نماید. در همین راستا، وزیر دفاع ارمنستان طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: «حضور ترکیه در گرجستان برای ارمنستان ناخوشایند است». به همین دلیل جاواخک به‌عنوان منطقه‌ای دارای جمعیت اکثراً ارمنی، می‌تواند در چنین شرایطی ارمنستان را یاری نماید.

روسیه

روسیه، گرجستان و در کل مجموعه قفقاز را حوزه نفوذ و محدوده امنیتی خود می‌داند. گرجستان در این بین از آنجا دارای اهمیت است که حوزه رقابت و درگیری و در حقیقت منطقه تقابل منافع روسیه و ترکیه (غرب) است. از این رو «امنیت»، سیاست روسیه را در قبال گرجستان شکل می‌دهد. روسیه برای پاسخ دادن به تهدیدات ناشی از گسترش نفوذ غرب در ساختارهای کشورهای چون گرجستان، ضمن مشغول نمودن آنها به مسایل داخلی، به حضور خود در گرجستان و از جمله پایگاه نظامی‌اش در آخالکالاکی نیاز مبرم دارد.

برای درک بهتر دیدگاه ژئوپلیتیک روسیه، ذکر چند نکته مهم به‌نظر می‌آید. برای روسیه، ارمنستان به‌عنوان متحد استراتژیک قفقازی‌اش، مرکزی برای بسط نفوذ نظامی، امنیتی و سیاسی مسکو در قفقاز محسوب می‌گردد. اگر ارمنستان از لحاظ نظامی در منطقه برتری داشته باشد، به مسکو تا حدودی در خصوص تهدیدات و تهاجم احتمالی از سوی ترکیه اطمینان می‌دهد. علاوه بر آن، با وجود قدرت نظامی در نزد آرامنه، ترکیه ناچار خواهد نمود بخشی از نیروهای خود را به جای تهدید روسیه، متوجه مرزهای خود با ارمنستان نماید. همین موضوع در خصوص ایران نیز صادق است. بر همین اساس می‌توان ادعا نمود وجود ایران و ارمنستان قوی (به لحاظ نظامی) از آنجا که نقش برقرارکننده توازن را ایفا می‌کنند، مطلوب مسکو خواهد بود. در این عرصه جاواخک محل پایگاه نظامی ارتش روسیه می‌باشد. (پایگاه ۶۲ روسیه در آخالکالاکی پذیرای لشکر ۱۴۷ زرهی روسیه با استعداد ۳۰۰۰ سرباز است. پایگاه مذکور چون در زمان شوروی و با هدف مقابله با حمله احتمالی ترکیه احداث شده، به‌عنوان اولین سنگر دفاعی از

لحاظ تجهیزات بسیار پیشرفته به‌شمار می‌آید). به‌عنوان مسیر ترانزیت تجهیزات نظامی روسی به ایران و ارمنستان قلمداد می‌گردد. در صورت بروز درگیری مسکو می‌تواند از این مسیر و پایگاه موجود در آن، علاوه بر کمک به متحدانش، دامنه درگیری را در حوزه قفقاز نگاه دارد. کمک‌های مذکور می‌تواند از طریق بنادر دریای سیاه روسیه وارد منطقه آجاریا (که پایگاه نظامی دیگر روسیه در گرجستان در آن منطقه واقع است) شود و سپس از طریق جاواخک وارد ارمنستان و ایران گردد.

علاوه بر این روسیه دارای نگرانی امنیتی دیگری نیز می‌باشد و آن امکان افزایش سلطه نظامی - امنیتی ترکیه در آسیای مرکزی است. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برخی حاکمان در ترکیه و آسیای مرکزی به‌دنبال عملی کردن مفهومی به نام پان ترکیسم بودند. این مسأله هم‌اینک نیز در دستور کار دولتمردان ترکیه قرار دارد. افزایش احتمالی حضور نظامی ترکیه در آسیای مرکزی به معنای ضرورت تقویت نیروی دفاعی مسکو در مرزهای خود با آسیای مرکزی است. به عنوان مثال، اگر ترکیه در قزاقستان حضور نظامی پیدا کند، مرز ۶۸۴۶ کیلومتری روسیه و قزاقستان باید از سوی مسکو تقویت گردد.

همان‌طور که روسیه امکان تسلیح ارمنستان و ایران را داراست، ترکیه نیز قابلیت مسلح نمودن کشورهای آسیای مرکزی را دارد، ولی از لحاظ جغرافیایی ترکیه از آسیای مرکزی توسط گرجستان و ارمنستان جدا گردیده است. در صورت بروز درگیری در منطقه، ترکیه برای رساندن کمک به آذربایجان و آسیای مرکزی نیازمند عبور از گرجستان و منطقه جاواخک است. این مسأله خود به تنهایی اهمیتی منطقه‌مدکور را نشان می‌دهد. این مهم وقتی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند که بدانیم حضور نظامی ترکیه در بخش‌هایی از گرجستان آغاز شده و در حال افزایش است. اگر تصور نماییم روزی پایگاه روسیه در منطقه جاواخک برچیده شود، ترکیه از پایگاه مارنئولی برای مسیر دستیابی به آسیای مرکزی و آذربایجان بهره خواهد برد.

جاواخک به خاطر موقعیت جغرافیایی خود از نظر اقتصادی برای روسیه دارای اهمیت است. می‌دانیم که ترکیه، آذربایجان و آمریکا مراسم آغاز به کار احداث خط لوله انتقال نفت دریای خزر از طریق گرجستان به بندر جیهان ترکیه را برگزار نمودند. مسیر پیشنهادی خط لوله در مسیر ترکیه و در خاک گرجستان، از منطقه آخال‌تسیخه می‌گذرد. مسیر جایگزین این خط

لوله در شرایط کنونی، مسیر باکو - بندر نوروسیسک روسیه در دریای سیاه است که سالانه می‌تواند مبلغ قابل توجهی از جهت ترانزیت منابع انرژی خزر برای روسیه درآمد به همراه داشته باشد. مسلماً بی‌ثباتی در جاواخک می‌تواند امکان تکمیل و یا بهره‌برداری از خط باکو - جیهان را به نفع خط باکو - نوروسیسک کاهش دهد.

ترکیه

ترکیه پس از فروپاشی شوروی، نگاه ویژه‌ای به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز داشته است. گذشته از امکان توسعه حوزه نفوذ و دستیابی به منابع انرژی دیگر، کشورهای این دو حوزه، بازار مناسبی برای عرضه کالاهای ترکیه می‌باشند. ولی به یک دلیل روشن که نداشتن مرز مشترک با آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی است، ترکیه باید از مسیر ارمنستان و یا گرجستان، اهداف خود را عملی سازد. در این راستا، به دلیل مشکلاتی که با ارمنستان دارد، گرجستان، اولویت آنکارا را شکل می‌دهد. برای عبور از گرجستان به ناچار باید از جاواخک گذر نمود. چون باگذر از مسیر کوتاه، امکان اتصال به آذربایجان و آسیای مرکزی پیدا می‌نماید.

اهمیت جاواخک برای ترکیه، تنها امکان این ارتباط زمینی نیست. شاید یکی از دلمشغولی‌های آنکارا در سال‌های اخیر پس از فروپاشی شوروی، چگونگی اجرای طرح انتقال انرژی دریای خزر از آذربایجان به سمت ترکیه یا همان خط معروف باکو - جیهان می‌باشد. واضح است چنین طرحی باعث وابستگی یا به عبارت بهتر چسبندگی بیشتر آذربایجان و گرجستان به ترکیه می‌گردد. از آنجاکه آذربایجان دسترسی مستقیمی به اروپا و بازارهای غربی ندارد، اجرای خط لوله باکو - جیهان موجب گسترش روابط سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی بین آنکارا و باکو خواهد شد. چنین مسأله‌ای برای بسط نفوذ ترکیه در گرجستان نیز متصور است.

با اتصال فرصت‌های اقتصادی آذربایجان و گرجستان به یکدیگر، کنترل آنکارا بر باکو به معنای کنترل تفلیس نیز خواهد بود. در چنین فضایی برای رسیدن به هدف دیگر آنکارا یعنی خارج کردن بیشتر آذربایجان و گرجستان از مدار نفوذ روسیه، جاواخک اهمیتی دوچندان دارد. اهمیت از آن جهت که خط لوله باکو - جیهان از منطقه آخالتسیخه خواهد گذشت و بروزی بی‌ثباتی در آن تأثیر مستقیمی بر منافع آنکارا خواهد داشت. جاواخک همچنین نزدیکترین مسیر را به

ترکیه می‌دهد تا با آسیای مرکزی و آذربایجان مرتبط شود. بی‌شک آسیای مرکزی و آذربایجان را به دلایلی چون زبان مشترک و ارتباط تاریخی با تمدن ترکیه، باید بازار طبیعی محصولات ترکیه دانست. مسلماً دادوستد آزاد بین این دو حوزه، سلطه اقتصادی آنکارا را بر آنها افزایش می‌دهد. این گذشته از کمک‌های اقتصادی و نظامی است که ترکیه در اختیار این کشورها قرار می‌دهد. از سال ۱۹۹۷ تاکنون ترکیه ۱۳ میلیون دلار کمک نظامی در اختیار گرجستان قرار داده است. چنین تعلقات افقی (غرب - شرق) بین ترکیه، آذربایجان و آسیای مرکزی، خواسته یا ناخواسته در مقابل تمایل ارتباط شمال - جنوب بین ایران، ارمنستان و روسیه تلقی شده است.

ترکیه با تجهیز آذربایجان، گرجستان و کشورهای آسیای مرکزی موجب شده است بخشی از نیروی روسیه، صرف کاهش تهدیدات ناشی از آن گردد. در شرایط کنونی و با تجهیز و بازسازی پایگاه هوایی مارنئولی شاید آخرین حلقه گمشده ارتباط ترکیه با آذربایجان و آسیای مرکزی تنها منطقه جاواخک باشد. آنکارا همچنین به خوبی به اهمیت منطقه جاواخک در صورت بروز جنگ در منطقه واقف است، چرا که جاواخک می‌تواند مانعی برای رساندن تجهیزات و تسلیحات به آذربایجان و آسیای مرکزی باشد و همین‌طور بالعکس امکان رساندن کمک به کشورهای مزبور را فراهم آورد.

آمریکا

از دید بسیاری از آگاهان مسایل منطقه قفقاز، گرجستان صحنه جدید تقابل منافع آمریکا و روسیه می‌باشد. این دیدگاه با حضور نظامیان آمریکایی در گرجستان (هرچند در تعداد محدود)، درخواست عضویت در ناتو از سوی گرجستان، بحران چین و آبخازیا و ... در حال تقویت است. برای درک بهتر این مسأله باید به نکات اهمیت جاواخک برای واشنگتن اشاره نماییم. بی‌شک اولین نقطه اهمیت جاواخک برای دولت آمریکا را باید بعد امنیتی آن دانست. وجود درگیری در منطقه و یا برعکس آرامش آن، هر کدام می‌تواند واجد منافع مقطعی برای آمریکا باشد. موارد دیگر اهمیت این منطقه برای واشنگتن را به صورت ذیل می‌توان برشمرد:

الف) گرفتن انرژی سیاسی - نظامی روسیه در مرزهای جنوبی‌اش.

ب) تأمین امنیت خط لوله انتقال منابع انرژی دریای خزر از آذربایجان به سوی ترکیه

(باکو - جیهان).

- ج) قطع ارتباط غیرمستقیم زمینی روسیه با ارمنستان.
د) افزایش امکان حضور مستقیم نظامی - امنیتی در گرجستان.
ه) بی بهره نمودن مسکو از درآمدهای نفتی حاصل از انتقال نفت دریای خزر از طریق باکو - نووروسیسک با احداث و تأمین امنیت خط لوله باکو - جیهان.
و) کاهش چسبندگی زمینی ایران به روسیه. (با این فرض که برخی از تجهیزات نظامی و ... از طریق خاک گرجستان به ارمنستان و از آنجا به ایران وارد می گردد).
ز) تسهیل دسترسی ترکیه (غرب) به آذربایجان و آسیای مرکزی.
ح) تسهیل کمک رسانی به مخالفین روسی مستقر در گرجستان از طریق ترکیه.

منابع

۱. روزنامه زمان، چاپ ترکیه، ۲۸ ژانویه ۲۰۰۲.
2. Baran, Zeyno, *The Caucasus and Caspian Region*, Congressional testimony to the House Committee on International Relations, Subcommittee on Europe, October 10th, 2001.
3. Radio Free Europe, 24 April, 2002, www.rfe/tl.org
4. Antonenko, Oksana, *Assessment of Potential Implications of Akhalkalaki Base Closure for the Stability in Southern Georgia: EU Response Capacities*, Conflict Prevention Network, Sep.2001.
5. Sterling, Richard W. *Ethnic Separation in the International System*, Ethnic Autonomy - Comparative Dynamics. ED. Raymond L. Hall. New York: Pergamon Press Inc, 1997.